

در گفت و گو با مدیر عامل شرکت داروسازی فندا مطرح شد:

قانون گذاران دارو باید از پیکره صنعت باشند.

مشکلات صنعت داروسازی کشور سالهای زیادی است که فعالان این عرصه را تحت فشار و تنگنا قرار میدهد و اهالی صنعت داروسازی بر این باورند که با گذشت زمان مدام بر شدت و حجم این فشارها افزوده میشود. تغییر و تحولات ارزی و پیامدهای حاصل از تحریمهای اقتصادی کشور در این سالها، صنعت داروسازی کشور را با موانعی در مسیر تولید مواجه کرده است که برخی از صاحبان صنایع دارویی کشور را تا مرز ورشکستگی و تعطیلی خطوط تولید نیز پیش برده است اما ریشه این مشکلات از کجا آب میخورد و آیا راه حلی برای برون رفت از این بن بست ها وجود دارد یا خیر؟ در این شماره ماهنامه غذا و دارو گفت و گویی را با دکتر محمد طهماسبی، مدیر عامل شرکت فن آوریهای نوین دارویی آتیه (فندا) پیرامون این موضوعات انجام داده ایم که شرح آن را در ادامه میخوانید:

به عنوان اولین پرسش شرایط کلی صنایع دارویی کشور را چطور ارزیابی میکنید؟

با توجه به شرایطی که وجود دارد وضعیت آینده صنعت دارو با در نظر گرفتن آنچه در سنوات گذشته وجود داشته است وضعیت پویایی نخواهد بود. علت آن هم این است که تمام تنگناها و فشار ها اعم از بحث های نظارتی و عدم حمایت ها به این صنعت وارد شده و پیش روی آن قرار دارد. از طرف دیگر تنگناهایی در مقوله های مالی با توجه به تغییرات اتفاق افتاده در نرخ ارز وجود دارد که هر از گاهی فعالان این عرصه با یک پازل جدید رو به رو می کنند.

می توان موارد شاخصی از این مشکلات را نام برد؟

بله؛ از جمله این موارد می توان به مابه التفاوت نرخ ارز اشاره کرد که خود دغدغه ای بزرگ است. زیرا علاوه بر اینکه در تغییر نرخ ارز باید نقدینگی بالایی داشته باشیم به واسطه این مابه التفاوت، پرداخت کردن حجم بالایی از نقدینگی شرکت ها، مصروف به پرداخت دیونی می شود که به هیچ وجه تصویری از آن نداشتند. به طور مثال کالایی که روزی با یک میلیارد تومان ارزش کالایی وارد شده است، اکنون مشمول ۵ میلیارد تومان مابه التفاوت است که این ۵ میلیارد تومان هم باید بلافاصله پرداخت شود و شما مهلت چندانی برای پرداخت آن ندارید. این در حالی است که زنجیره نظارتی بانکی هم هرگونه رفتار انتفاعی را از شما ساقط کند.

به نظر میرسد که سیاست گذاران و تصمیم گیران این بخش اگر قانونی را میگذارند بهتر است که آن را آینده نگرانه ببینند به نوعی به این مقوله به شکل پویا (proactive) نگاه کنند که اگر به این شکل عمل کنیم ایده آل ترین اتفاقات خواهد افتاد. وگرنه اینکه ما قانونهایی را بگذاریم که

صرفاً ارزش را تک نرخ کنیم ولی آینده نگری نداشته باشیم و در این کار تبعات آن را در نظر نگیریم که چه اتفاقاتی رخ خواهد داد نه تنها به سود صنعت داروسازی کشور نخواهد بود که مشکلات آن را نیز بیشتر از گذشته خواهد کرد.

وضعیتی که امروز گرفتار آن هستیم و در تمام جلسات نیز به آن اشاره میشود این است که قانون گذار قانون را وضع کرده و مصرانه در جهت اجرای آن گام بر میدارد اما هیچ اقدام آینده نگرانه خاصی در جهت رفع گره های ایجاد شده در این مسیر ارائه نکرده است.

پس به عقیده شما تلاش برای تک نرخ شدن نرخ ارز در حوزه دارو سیاست درستی نبوده است؟

اینکه سیاست درستی بوده یا نبوده جای بحث دارد و باید مورد نقد و بررسی قرار گیرد اما بر فرض درست بودن آن مراحل اجرا و در ادامه نحوه برنامه ریزی استراتژی در خصوص اینکه این برنامه چطور اجرا شود را در نظر نگرفته ایم.

در واقع در تصمیم گیری برای انجام چنین فرآیندی، در نظر گرفتن اولویت ها و ضرورتها در کنار یکدیگر بسیار اهمیت دارد. اگر ضرورتها را نبینیم و اولویتها را در نظر نگیریم، نمی توانیم شاخصهای رفتاریمان را به شکل درست و منطقی چیدمان کنیم

صنعت داروسازی کشور در حال حاضر بسیار مستهلک است. به همین دلیل نظارت بر شرایط ایده آلی باید در فرآیند تولید شکل بگیرد. اما صنعتی که تا این حد مستهلک است و از طرف نهادهای سیاستگذار حمایتی از آن نشده است، قطع به یقین آینده روشنی نخواهد داشت.

تولید همواره در کشور ما دچار مشکلات زیادی بوده ولی به نظر میرسد صنعت دارو همیشه چالشهای مضاعفی داشته است؛ چرا این وضعیت در حوزه دارو به وجود آمده است؟

در تمام دنیا از صنعت دارو حمایتهای ویژه صورت میگیرد زیرا این صنعت را یک صنعت استراتژیک میدانند اما در کشور ما با وجود اذعان مسئولان و دست اندرکاران به موضوع استراتژیک بودن صنعت دارو اقدامات موثری در این باره انجام نمیشود.

مثلاً در همین بحث قیمت گذاری دارو که همیشه هم جزو دغدغه های فعالان این صنعت در کشور بوده در بسیاری از کشورها در مورد برندهای معتبر داروی تولیدی آن کشور گرانترا از داروی برند خارجی وارداتی است و مصرف کننده نیز برای خرید برند دلخواه خود مخیر است؛ این نشان دهنده حمایتی است که سیستمهای حاکمیتی از صنعت خودشان دارند.

در واقع ما در سیستم دارویی کشور نه تنها از حمایت‌های لازم و معمول نیز برخوردار نبوده ایم بلکه محدودیت‌های مختلف صنعت دارو را نیز داریم که مشکلات صنایع داروسازی کشور را مضاعف کرده است.

آیا اصلاح اخیر قیمت اقلام دارویی در کشور در راستای همین حمایت‌ها از صنعت دارو نبوده است؟

متأسفانه خیر؛ اتفاق اخیری که در مقوله قیمت گذاری افتاد در واقع وارونه دمیدن شیپور بود. زیرا ابتدا به شرکت‌های تولید کننده فرآورده‌های دارویی، قیمت دادند و بعد از آن به شرکتهای تولید کننده ماده مؤثره قیمت دادند.

بنابراین تمام ارزیابیهای انجام شده برای قیمت گذاری محصولات بی اثر شد و ما نتوانستیم هیچ اقدام موثری با اصلاح قیمت دارو انجام دهیم و حالا این فرآیند به سمتی رفته که دوباره به صورت پرسیس درخواست افزایش قیمت کنیم.

تعامل بانکها و شرکتهای داروسازی در این زمینه تا چه حد قابل قبول بوده است؟

در واقع در این زمینه باید گفت امروز بانکها و همکاری‌های نامطلوب آنها با صاحبان صنایع داروسازی به یکی از بزرگترین مشکلات این صنعت تبدیل شده است. به اعتقاد من شرکتهای داروسازی در حال حاضر تبدیل به بنگاههایی شده اند که برای بانکها و دولت بسیار سودمند هستند اما خود سهامداران از آن انتفاعی نمی برد.

آیا میتوان برای برون رفت از شرایط فعلی صنایع دارویی اقداماتی را در نظر گرفت که در کوتاه مدت وضعیت را در این بخش بهبود بخشد؟

البته بسیاری از دغدغه‌های حوزه تولید تنها مربوط به صنایع دارویی نیست و برای کل صنعت است و در بسیاری موارد ارتباط مستقیم به حوزه اقتصادی دارد. فکر میکنم با وضعیت جاری کشور و در این برهه اقتصادی باید یک مقدار منس و روشها را تغییر داد و قدری انعطاف در رفتارها ایجاد کرد. مثلاً در موضوع ما به التفاوت ارزی کافی است بانک مرکزی با در نظر گرفتن شرایط به بانکهای عامل اعلام کند اگر قرار است ما به التفاوتی پرداخت شود آن را تقسیط ۱۰ ماهه یا ۱۲ ماهه کنند.

تولید کننده در هر حال مکلف به پرداخت این ما به التفاوت است اما پرداخت ۱۰ یا ۲۰ میلیارد ما به التفاوت به صورت یکجا برای شرکتهای بسیار دشوار است. مگر یک شرکت چقدر میتواند گردش مازاد مالی را برای خودش ایجاد کند که بتواند این شرایط را تحمل کند!

یعنی بانک‌ها بدون توجه به شرایط اقتصادی تولیدکنندگان سهم خودشان را به صورت نقد دریافت میکنند؟

دقیقا این اتفاق دارد میافتد. مابه‌التفاوت ارزی وقتی شکل می‌گیرد و من باید با دغدغه‌ای و به شکلی ما به التفاوت را پرداخت کنم و از آن طرف گمرک هم وارد میشود و گمرک هم به عنوان یک گزینه ثانی میگوید که مابه‌التفاوت همان کالایی که وارد کرده‌ای را به من پرداخت کن ناگهان میبینید که ۱۰۰ میلیون تومان هزینه گمرکی میشود پانصد میلیون تومان همه اینها چالش است.

نقش قانون‌گذار در این نابسامانی چیست؟

من فکر میکنم که آن قانون‌گذار قانونی را که قرار میدهد مسئول است مانند این است که ما یک سرعت گیر بگذاریم که کاهش سرعت بدهد، اما وقتی استاندارد ایجاد نکنیم و آن را در محل درست قرار ندهیم، نه تنها سرعت لازمه مسیر را کاهش نمیدهد بلکه هم باعث آسیب به سرنشینان خودرو و هم به خودرو میشود و هم ممکن است در اطراف فضا را دچار تنش و دچار آسیب دیدگی کند.

عزیزان ما در حوزه قانون‌گذاری امروز صرفاً برای رفع یک سری از موانع قانونی را گذاشته‌اند که تبعات آن را در نظر نگرفته‌اند و ما هر روز داریم با مشکلات آن روبرو می‌شویم.

هر یک از آنها میگویند که ما به فلان ارگان یا نهاد یا سیستم اعلام کردیم و نهایتاً راهکاری در مورد آن به وجود نیامده است.

فکر میکنید قدم مؤثر برای اینکه از این برون‌رفت و بن‌بستی که در حوزه دارو ایجاد شده در اولین قدم چه باید کرد که بتوان در بلندمدت مشکلات را برطرف کند؟

یکی از اتفاقات خوب میتواند این باشد که قانون‌گذاران صنعت از پیکره صنعت برگرفته شده باشد؛ یعنی کسانی که صنعت را بشناسند؛ با صنعت مأنوس باشند و گره‌ها و گشایشهای مسیر صنعت را درک کنند؛ قدر مسلم میتوانند در این مسیر کمک کننده باشند. اما متأسفانه در این سالها به نظرات کارشناسی فعالان این حوزه کمتر توجه شده است و حکایت ما در حاکمیت حوزه دارو در این سالها مصداق این بیت یغمای جندقی است که می‌گوید:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من

آنچه البته به جایی نرسد فریاد است